

انسان وواقع گرایى در اشعار محمد رضا آقاسى

استاديار دكتور

محمد مصلى مهدي صالح

وزارت آموزش عالی و پژوهش علمی - اداره تحقیق و توسعه

MohammedMuslih78@gmail.com

الإنسان والواقعية في أشعار محمد رضا أگاسي

الاستاذ المساعد الدكتور

محمد مصلى مهدي صالح

وزارة التعليم العالي والبحث العلمي - دائرة البحث والتطوير

Man and Realism in the Poems of Muhammad Reza Agassi

Assistant Professor Doctor

Muhammad Musleh Mahdi Saleh

Ministry of Higher Education and Scientific Research -

Research and Development Department

چکیده:-

یکی از موضوعات ادبی، علی الخصوص در مطالب نقد ادبی، موضوع مکتب‌های متنوع و متعدد ادبی با تمایلات فکری گوناگون است. این موضوع در شکل و شیوه جدید طبعاً نتیجه افکار و اندیشه‌های نو می‌باشد. از جمله این مکاتب «واقع گرایی» یا همان رئالیسم است که بدون تردید شکل کنونی آن از مغرب زمین به سایر مناطق سرایت یافته است. ادبیات نیز از این قاعده مستثنی نیست و واقع گرایی در آن نفوذ پیدا کرده و مورد بررسی و تحقیق اساتید و نخبگان در این زمینه قرار گرفته است. شیوه و اندیشه‌های این مکتب در دو قالب منثور و منظوم قابل بررسی است. در ایران در دهه‌های اخیر پژوهش‌هایی درباره شعر کلاسیک و دوره‌های گوناگون شعر فارسی و همچنین شعر نو انجام پذیرفته است که از آن جمله پژوهش‌هایی درباره شعر نو بر پایه دیدگاه‌های نو مانند مکتب رئالیسم یا واقع گرایی می‌باشد. با توجه به اینکه عمده ویژگی واقع گرایی، توصیف انسان به صورت موجود اجتماعی است، مشاهده دقیق واقعیت‌های زندگی، تشخیص درست علل و عوامل آنها و بیان مکتبی برونی است، رئالیست - واقع گرایی - تشریح و تجسم آنها است. به عبارتی دیگر جستجوی ریشه رفتار آدمی در شرایط اجتماعی می‌باشد، بنابراین صفات نیک و بد را ذاتی انسان نمی‌پندارند و بلکه آنها را محصول جامعه می‌شمارد. در این مقاله به بررسی انسان وواقع گرایی در شعر شاعر معاصر محمدرضا آقاسی می‌پردازیم، با توجه به مضمون و محتوای شعر این شاعر می‌توان دریافت که تا حدودی به مانیفیست واقع گرایی پایبند بوده و ضمن جستجوی ریشه رفتار مردم جامعه در شرایط اجتماعی، وضعیت نامطلوب اجتماع را نتیجه دیدگاه و رفتار و کردار ناپسند حاکمان آن می‌دانستند و می‌دانند.

کلید واژگان: رئالیسم، انسان، واقع گرایی، جامعه، آقاسی.

المخلص:-

تعد الواقعية واحدة من الموضوعات الأدبية المهمة، وخاصة في النقد الأدبي، التي تنتمي إلى المدارس الأدبية المتنوعة والمتعددة ذات الميول الفكرية المختلفة، ويمثل هذا الموضوع (الواقعية) شكل وطريقة أدبية جديدة وهي تمثل بطبيعة الحال الأفكار وبالانحص الأفكار الجديدة، ومن بين هذه الأفكار نشات مدرسة "الواقعية" التي انتشرت بلا شك من الغرب إلى مناطق أخرى بشكلها الحالي.

ولم يستثنى الأدب من هذه القاعدة، حيث بدأ تأثير الواقعية بالبروز والظهور، وإقبل الكثير من الأساتذة والنخب على دراستها والتحقيق والتعمق فيها. ويمكن دراسة أساليب وأفكار هذه المدرسة في شكلين، النشر والشعر. حيث أجريت الأبحاث في العقود الأخيرة في إيران حول الشعر الكلاسيكي وأيضاً حول مختارات مختلفة من الشعر الفارسي وكذلك الشعر الجديد ومن بين تلك الأبحاث التي أجريت على أساس وجهات نظر جديدة حول الشعر الجديد هي أبحاث المدرسة الواقعية. حيث إن السمة الرئيسية للواقعية: هي وصف البشر على أنهم كائنات اجتماعية، والمراقبة الدقيقة لوقائع حياتهم، والتشخيص الصحيح لمشاكلهم والأسباب والعوامل المسببة لها، وهو تعبير ظاهري عن مدرسة الواقعية، ووصفها وتصورها. بمعنى آخر: إنها تمثل البحث عن جذر السلوك البشري في الظروف الاجتماعية المختلفة. لذلك فإن أصحاب هذه المدرسة لا يعتبرون أن الصفات الحسنة والسليمة متأصلة في الإنسان، بل يعتبرونها نتاج المجتمع.

تفحص في هذا المقال النزعة الإنسانية والواقعية في شعر الشاعر المعاصر محمد رضا آقاسي، وبحسب موضوع ومحتوى شعر هذا الشاعر نرى أنه تمسك ببيان الواقعية إلى حد ما ضمن البحث عن جذور سلوك الناس في المجتمع، معتبراً أن الحالة غير المرغوب بها للمجتمعات هي نتيجة سوء آراء وسلوك حكامها.

الكلمات الافتتاحية: الواقعية، الإنسان، الواقعية، المجتمع، آقاسي.

Abstract:-

Realism is one of the important literary themes. Especially in literary criticism, which belongs to the various and numerous literary schools with different intellectual tendencies, this topic (realism) represents a new literary form and method, and it naturally represents ideas, especially new ideas. Among these ideas, the school of "realism" arose, which undoubtedly spread from the West to other regions in its current form. Literature was not excluded from this rule, as the influence of realism began to emerge and appear, and many professors and elites accepted it to study, investigate and delve into it. The methods and ideas of this school can be studied in two forms, prose and poetry.

Research has been carried out in recent decades in Iran on classical poetry And also about various anthologies of Persian poetry and new poetry, Among those researches that were conducted on the basis of new perspectives on the new poetry are the researches of the realist school. The main characteristic of realism is the description of human beings as social beings, careful observation of the facts of their lives, and the correct diagnosis of their problems and the causes and factors that cause them. It is an outward expression of the school of realism, its description and perception. In other words: it represents the search for the root of human behavior in different social conditions. Therefore, the owners of this school do not consider that the good and bad qualities are inherent in man, but rather they consider them as a product of society. IN this article, we examine the humanism and realism in the poetry of the contemporary poet Mohammad Reza Agassi. According to the theme and content of this poet's poetry, we see that he adhered to the statement of realism to some extent within the search for the roots of people's behavior in society.

Considering that the undesirable state of societies is the result of the bad views and behavior of their rulers.

Keywords: realism, man, realism, society, Agassi.

مقدمه:

واقع گرایی تمایل و میل و دقت به حقایق و جلوگیری از خیال پردازی، و پایبندی به طبیعت یا زندگی واقعی و تعبیر دقیق آن خیال بافی، کلمه رئالیسم از رئل گرفته شده که به معنای واقع می‌باشد. و در حقیقت به معنای مکتب اصالت واقع است. رئالیسم در زبان فارسی «واقع گرایی» و «اصالت واقع» نامیده می‌شود (رافائل، ۱۳۶۵، ص ۵۲) واقع گرایی در مفهوم عام و گسترده به معنی وفاداری به واقعیت است.

با توجه به اینکه عمده ویژگی واقع گرایی، توصیف انسان به صورت موجود اجتماعی است و به عبارت دیگر جستجوی ریشه رفتار آدمی در شرایط اجتماعی می‌باشد، بنابراین صفات نیک و بد را ذاتی انسان نمی‌پندارند و بلکه آنها را محصول جامعه می‌شمارد (حسن لی، ۱۳۸۳، ص ۶۰). به طور کلی اصول واقع گرایی عبارتند از تحلیل اجتماعی، مطالعه و تجسم زندگی انسان در جامعه، مطالعه و تجسم روابط اجتماعی، روابط میان فرد و جامعه، با توجه به باز شدن راهی تازه در روابط بین الملل و فرهنگ ها، بدون تردید این فرهنگ در آثار معاصر ادب پارسی نیز اثر داشته و دارد، هرچند این تاثیر اصول خاص خود را دارد و شاید از مبانی خاصی پیروی نکرده است. (شریفی. ۱۳۸۷. ص ۶۷۱) از خصایص واقع گرایی میتوان به این موارد اشاره کرد:

- ۱- واقعیت‌های اجتماعی و تاثیر فرد بر جامعه و بالعکس.
- ۲- تعیین شخصیت‌های داستان از مردم.
- ۳- طرح موضوعات ملموس جامعه مثل فقر، فساد، دوستی، عشق و بیکاری.
- ۴- دوری از تئپ سازی و قهرمان سازی.
- ۵- توجه به تمامی جزئیات زندگی و اجتماعی.
- ۶- زبان اجتماعی‌تر و ساده‌تر از دوره‌ای بهتر به ویژه کلاسیسم شد (آبان افلتلی، ۱۳۹۰. ص ۲۶۶-۲۶۷)

موارد ذکر شده را در اشعار محمدرضا آقاسی می‌توان دید. وی با نگرشی خردگرا و واقع بینانه در پی به تصویر کشیدن عینیات زندگی مردم و رخدادهای اجتماعی-سیاسی به منظور بالابردن سطح آگاهی و دست یافتن به مطالبات حقوق فردی واجتماعی افراد جامعه‌ی زمان خود می‌باشد. او در اشعارش زندگی مردم طبقه متوسط و پایین جامعه را به تصویر می‌کشد (پرهام، ۱۳۸۰، ص ۴۰)

زبان منطق شعری وی، غالباً آمیخته با نماد و تمثیل است که با بیانی غیرمستقیم و تأویل بردار از آن در جهت پرداختن به رسالت شعری به مفهوم برجسته ساختن واقعیات پنهان جامعه و بیدارگری افراد جامعه بهره می‌گیرد. اشعار وی در دل عموم افراد جامعه جای گرفته است. یکی از دلایل این شناخت همگانی، نوع و نحوه و شیوه خواندن شعرهایش بود که با صدای بلند و با شور و حالی منحصر به فرد می‌خواند؛ انگار به واقع این شور و حال وصف‌ناپذیر را آقاسی از خود متن شعر می‌آورد و چیزی نبود که بخواید از بیرون به آن تزییق کند. عموم مردم اشعار او را دوست داشته و دارند. بالطبع این دوست داشتن‌ها از جایی می‌آید و به جایی برمی‌گردد؛ وی در اشعارش واقعیت‌های جامعه را بیان می‌کند و از دل می‌سراید با لحنی و بیانی صمیمی و از جنس مردم، به بیان مشکلات و سختی‌هایی که مردم در جامعه با آنها دست و پنجه نرم می‌کنند می‌پردازد (میرشکاک، ۱۳۹۷: ص ۶۱).

واقع‌گرایی در اشعار وی موج میزند، علی‌الخصوص در اشعار آئینی اش، از نگاه وی اصولاً هنر آینه روح انسان است و در حالت عادی چیزی به وقوع نخواهد پیوست. مگر این‌که شادی یا غمی مضاعف از حالت اولیه انسان، برای انسان پیش بیاید. اگر شما یک حوض را در نظر بگیرید این در حالت عادی هیچ موجی ندارد ولی اگر یک ریگ داخل این حوض بیندازید، یک موج در داخل حوض ایجاد میشود و این ریگ هرچه درشت‌تر باشد و به سنگی بزرگ برسد، یقیناً امواجی که در این حوض به وجود می‌آید، خیلی بزرگتر و قوی‌تر خواهد بود و اگر این سنگ هرچه سنگین‌تر و با شدت بیشتری با این حوض برخورد کند، چه بسا که آب‌هایی را از این حوض بیرون بریزد. لذا به نظر

من، هنر کلا همچنین حالتی می‌تونه باشه که از انسان بیرون بریزه. این طور نیست که در حالت عادی انسان قلم به دست بگیرد و هرچی که بناست به عنوان هنر و شعر یا خوشنویسی و یا غیره ایجاد کند. بلکه باید در یک حالت به خصوصی قرار بگیرد تا این حالت رخ دهد باید یک ضربه‌ای صورت بگیرد. مثل کوه، کوه خود به خود صدا نمی‌کند اگر صدایی در کوه پخش شد انعکاس آن را می‌شنوید و هر چی این قوی‌تر باشد آن انعکاس قوی‌تره و هر چه دل انسان با اون موضوعی که می‌خواد مطرح کند صمیمی‌تر باشد یقیناً کارش خیلی شیرین‌تر و قشنگ‌تر خواهد بود؛ چه در شادی چه در غم، چه در حماسه چه در درام و چه چیزهای مختلف (میرشکاک، ۱۳۹۷: ص ۶۹).

پیشینه تحقیق

رضا اسماعیلی (۱۳۹۹) شاعر و پیشکسوت و پژوهشگر ادبیات آیینی در پژوهش خود بیان می‌دارد: در عالم شعر و شاعری گاهی شاهد ظهور پدیده‌هایی هستیم که در آغاز در هیئت یک فرصت خودنمایی می‌کنند، اما در ادامه به دلیل عدم بهره‌برداری هوشمندانه از آنها، به یک تهدید و آسیب دل‌آزار تبدیل می‌شوند. برای مثال گاهی یک شاعر با نبوغ و خلاقیت ذاتی خود به سبکی خاص در خوانش و اجرای شعر دست پیدا می‌کند که مورد اقبال و استقبال طیف وسیعی از جامعه قرار می‌گیرد. بخشی از جامعه ادبی، اما به جای بهره‌برداری هوشمندانه از این فرصت، با کپی‌برداری، تکرار و تقلید ناشیانه از سبک خوانش و اجرای شاعر مورد نظر، این فرصت طلایی را به یک تهدید تبدیل می‌کنند.

پدیده «آقاسی‌زدگی» از جمله آسیب‌هایی است که فضای شعر آیینی ما را در سال‌های اخیر شدیداً تحت تأثیر خود قرار داده است. محمدرضا آقاسی از شاعران آیینی روزگار ما در زمان حیات خویش ابداع‌کننده سبکی حماسی در خوانش و اجرای شعر بود که شیوه ابتکاری او بسیار مورد استقبال قرار گرفت و باعث شهرت و محبوبیتی غیرقابل تصور برای او در میان مردم شد. بعد از درگذشت آقاسی، بسیاری از شاعران آیینی به سودای تکیه زدن بر کرسی شهرت و محبوبیت او، به جای تأمل در راز موفقیت این

شاعر مردمی و الگوبرداری شایسته و خلاقانه از شیوه شعرخوانی‌اش، متأسفانه با کپی برداری و تقلید صرف، به بازتکثیر آقاسی پرداختند و به جای تکثیر صدای خود، حنجره‌های خویش را وقف بازتولید لحن و صدای آقاسی کردند. تب آقاسی شدن متأسفانه در سال‌های اخیر شاعران بسیاری را از مسیر شاعرانگی به مسیر انحرافی «دلبری از خلق» کشانده است. شاعران یکدست و یکنواختی که جز ادا و ادعا و هیاهو چیز دیگری برای عرضه کردن ندارند و از مسیر خلاقیت ادبی دور افتاده‌اند. شاعران از خود بیگانه‌ای که بی‌هیچ خلاقیتی آقاسی را ناشیانه تقلید می‌کنند و روز به روز از ذات شاعرانه خود دور می‌شوند. دقیقه‌ای که از نظر این شاعران آقاسی‌زده به دور مانده، این است که هیچ گاه فتوکپی برابر اصل نمی‌شود. به شهادت تاریخ، مردم برای هنرمندی کلاه خویش را از سر بر می‌دارند که جوهر هنرش «صداقت» باشد. هنرمندی که عریان و بی‌نقاب در مقابل مردم بایستد و به قول سهراب «دانه‌های دلش» از ورای جان زلالش پیدا باشد. رمز موفقیت آقاسی نیز این بود که سیمای خودش را در آئینه شعرش به تماشا گذاشت و ذات شاعرانه خودش را روایت کرد. آقاسی در مقابل مردم بی‌نقاب ایستاد و هرگز برای شهرت و محبوبیت ادا و شکلک در نیاورد. این دقیقه‌ای است که مقلدان آقاسی باید بیشتر به آن بیاندیشند. نتیجه آنکه با تقلید و تکرار هرگز نمی‌توان به جایی رسید. باید آئینه بود و آیینگی خود را به تماشا گذاشت تا در حافظه روزگار «حافظ» شد، اینچنین باد.

حمیدرضا برقعی (۱۳۹۱) در پژوهش خود چنین بیان می‌کند: لطف بزرگ محمدرضا آقاسی به شعر آئینی یا به بیانی بهتر به ادبیات ما کرد، ارتباط دادن شاعر با مردم بود. به دلیل اینکه بار دیگر شاهد برقراری ارتباط یک شاعر با توده مردم بودیم و این یعنی حیاتی دوباره به ادبیات و مخصوصاً شعر آئینی بخشیدن. آقاسی این کار را با اشعار بسیار زیبا و صدا و نوع سرودن خاصش انجام داد و امیدواریم مورد رحمت و مغفرت الهی قرار گیرد. تب آقاسی شدن متأسفانه در سال‌های اخیر شاعران بسیاری را از مسیر شاعرانگی به مسیر انحرافی «دلبری از خلق» کشانده است. شاعران یکدست و یکنواختی

که جز ادا و ادعا و هیاهو چیز دیگری برای عرضه کردن ندارند و از مسیر خلاقیت ادبی دور افتاده‌اند. شاعران از خود بیگانه‌ای که بی‌هیچ خلاقیتی آقاسی را ناشیانه تقلید می‌کنند و روز به روز از ذات شاعرانه خود دور می‌شوند. دقیقه‌ای که از نظر این شاعران آقاسی‌زده به دور مانده، این است که هیچ گاه فتوکپی برابر اصل نمی‌شود.

مصطفی محدثی خراسانی (۱۳۷۸) افزود: مرحوم آقاسی توانست فصلی که میان شعر، مدح، مرثیه و شعر رسمی کشیده شده بود را پر کند و با وارد کردن عناصر شعری و نظم سطح این نوع شعر و حتی سطح ذائقه مخاطب را ارتقا بخشد. مرحوم آقاسی مثنوی سرا بود، تصریح کرد: به نظر سروده‌های او که عمدتاً در دفاع از ولایت به معنای عام و نقش آن در شکل‌گیری تاریخ و فرهنگ و صیانت از دین و مذهب بود از اوج مندی و ارزشمندی خاصی در نزد مخاطبان برخوردار است و شور و حال مضاعفی به خوانندگان می‌دهد. وی مرحوم آقاسی را شاعری مردمی و متواضع عنوان کرد و افزود: او هیچگاه به عناوین و شهرت‌های مادی و مقام دنیوی توجهی نداشت و معتقد بود اگر مخاطب شاعر، مردم هستند باید شاعر هم مردمی باشد. (محدثی خراسانی، ۱۳۷۸، ص ۵۰)

فرضیه‌ها و پرسش‌ها

این مقاله بر مبنای فرضی ذیل استوار است:

- ۱- سروده‌های حماسی در قرون متمادی افزون بر کارکردهای ادبی و زبانی خود تکیه‌گاه هویت ملل بوده است. در ادبیات جهان امروز و از جمله در شعر معاصر فارسی نیز جنبه‌های حماسی وجود دارد که زمینه ساز تحولات مهمی در حوزه ادبیات و اجتماع شده است و آقاسی در این مورد صاحب سبک می‌باشد.
- ۲- آقاسی آغازگر تحولی جدید در شعر آئینی است و شاعران معاصر با تقلید از سبک و خوانش شعر او دست به سرودن اینگونه اشعار زدند.
- ۳- پدیده «آقاسی‌زدگی» از جمله آسیب‌هایی است که فضای شعر آئینی ما را در سال‌های اخیر شدیداً تحت تأثیر خود قرار داده است.

از این رو با توجه به این پیش فرض‌های مطرح شده، پرسش‌های اصلی جستار کنونی عبارتند از:

۱- آقاسی چگونه توانست با بهره‌گیری از رئالیسم (واقع گرایی) جایگاه خود را در شعر آئینی حفظ کند؟

۲- اعتراض در شعر آقاسی موج میزند، چگونه از این موضوع در شعر خود بهره جسته است؟

روش پژوهش

در این پژوهش، از شیوه تحلیلی-توصیفی با رویکرد استنباطی در جریان مقاله استفاده و متعاقباً بهره‌مندی از مطالعات کتابخانه‌ای نیز در مضان شیوه گردآوری داده‌ها به سبک فیش برداری، بستر کلی این نگاه را تشکیل خواهد داد.

نگاهی گذرا به زندگی محمدرضا آقاسی

ان شاعر فقید، متولد بیست و چهارم فروردین ماه هزارسیصد و سی و هشت در تهران بود. از پدر و مادری که اصالتاً از روستای ارنگه واقع در شهرستان کرج بوده، زاده شده است. پدر وی آموزگار قرآن بود و به همین خاطر خانوادگی به شعرهای مذهبی علاقه خاصی داشته‌اند. وی شیعه مذهب بوده و شرایط مذهبی حاکم بر خانواده بر رویه شعر سرودن وی نقش به‌سزایی را ایفا نموده است و اشعارش متأسر از عقاید مذهبی وی می‌باشد. شعرهای وی دارای مفاهیم شیعی و گاه انتقادهای اجتماعی بوده است. تحصیلات را تا مقطع راهنمایی بیشتر ادامه نداده و آن هم به دلیل مشکلات و مسائلی که با آموزگاران و ناظم مدرسه اش داشته است (دلاور، ۱۳۸۵: ص ۱۳).

شعر سرودن را از سال‌های ۱۳۵۱ و ۱۳۵۲ شروع کرده و پس از انقلاب ایران در خدمت استاد مهرداد اوستا -نویسنده و شاعر دوران معاصر ایرانی- و یوسفعلی میر شکاک شروع به فراگیری و آموختن نموده است. و به‌طور حرفه‌ای پس از پایان جنگ -

سال ۱۳۶۸ - وارد این عرصه گردیده است. لازم بذکر است که وی با شروع جنگ به جبهه می‌رود و در نبرد حق علیه باطل به مبارزه با دشمن بعثی می‌پردازد. از علاقه مندی‌ها آقاسی میتوان به مثنوی معنوی مولوی اشاره کرده و به بزرگانی چون حکیم طوس، خاقانی علاقه‌ای خاص داشت (آقاسی، ۱۳۹۰: ص ۲۷). آنچه در اشعار آقاسی اهمیت بسزایی داشت و شعرهایش مورد توجه قرار گرفته است به دلیل داشتن مفاهیم شیعی اجتماعی و سیاسی است. این شاعر شیعه مذهب در زمینه شعر آیینی فعالیت داشته و در اشعارش مفاهیم مذهبی موج می‌زند. از وی سه دیوان شعر بنام‌های شیعه نامه - گزیده‌ای از اشعار در مدح اهل بیت d، برمدار عشق، حق نمک به جا مانده است (میرشکاک. ۱۳۹۷. ص ۱۵)

آقاسی در مورد سبک شعری اش از احمد عزیزی، شاعر آیینی و صاحب سبک معاصر تاثیر گرفته است و ارادت و دوستی ویژه‌ای به این استادبزرگوار داشته است. وی معتقد بود شعر باید زنده - حی - باشد. شعر نباید بدون جهت موضع گیری مثل مرده باشد. اشعار وی ساده و بدور از هرگونه الفاظ پیچیده و دشوار سروده شده هرچند که رگه‌هایی از سبک هندی را می‌توان در اشعار وی دید. محمدرضا آقاسی شاعر و مثنوی سرای اهل بیت d و شاعر بسیجی در سن ۴۶ سالگی بر اثر بیماری قلبی - عروقی در مورخ سوم خردادماه هزار و سیصد و هشتاد و چهار در بیمارستانی در تهران دار فانی را وداع گفته و در بهشت زهرا آرمیده است (آقاسی. ۱۳۹۹. ص ۵).

آثار مرحوم آقاسی

فرهنگ عاشورا، مثنوی شیعه، شور شهیدان، چیست درویشی، با همه لحن خوش آواییم، مرغ دلم زمزمه سر می‌دهد، ای زنده دلان ظهور نزدیک است، مولا، ولایت، حریم راز، حضرت عباس a، حجت حق، روح خدا، راز سه مظلومه، هفتاد و دو تن، میرسد از راه، ساقی سرمست ما، آفتاب شیعه، شرابی سوخته، نماز، خبر آمد، در رسای رهبر، به جای آنکه همه ساله به مکه روی، روح نماز، مثنوی بلند شیعه از جمله سرودهای وی به شمار می‌رود (محمودنیا، ۱۳۹۲: ص ۱۲).

واقع گرایي در اشعار حماسی آقاسی

واژه واقع گرایي مفهوم کلی آن یعنی ارائه واقعیات و حقایق در ادبیات و هنر است و نه معنی خاص آن یعنی ادبیات رئالیستی دهه‌هایی از قرن نوزدهم. ارائه و بیان وقایع روز جامعه و اجتماع. موضوعاتی که مردم و عموم اجتماع راحت‌تر با آن ارتباط برقرار کنند (آبان افلتی، علی. ۱۳۹۰: ص ۴۱) این موضوع در اشعار آقاسی به وضوح دیده می‌شود.

آقاسی دل‌داده فرهنگ عاشورا و شاعری معتقد به اهل بیت Cl بود. او علاوه بر توجه به سوگ در حماسه عاشورا، از موضوعات کلیدی دیگر آن غافل نیست؛ پیام‌هایی که در واژه‌های سرخ شعرش نهان است. عشق حسینی را در جان آگاه دوست‌داران فرهنگ شیعی شعله‌ور می‌کند (دل‌اور، ۱۳۸۵: ص ۱۹).

یوسف علی میرشکاک در «شاعر مردم» می‌نویسد: «آقاسی جز به قصد تقرب نمی‌سرود و هنگام سرودن، خود و نفس خود را یکسره از یاد می‌برد و به همین دلیل با استقبالی فراگیر و مردمی مواجه شد، استقبالی که لااقل در میان معاصران هیچ‌کس از آن بهره‌مند نشده است. یکی دیگر از علل تصرف شعر آقاسی در خرد و روان مردم، ساده و برپیرایه بودن آن است. مسلماً صرف ساده و بی‌تکلف بودن شعر موجب فراگیر شدن آن نمی‌شود، بلکه ریشه داشتن مضامین و معانی آن در جان مردم معتقد و علاقه‌مند به خاندان نبوت و ولایت، دلیل اصلی تأثیر شعر ساده و بی‌تکلف آقاسی است.» (میرشکاک، ۱۳۹۷: ص ۳۵)

رئالیسم هم جنبه دیگر آثار آقاسی است، بدین معنا که توجه به واقعیت، توجه به اجتماع، توجه به تاریخ، تصویر بدی‌ها و نابرابری‌های اجتماعی استبداد و فقر مردم عادی و کاخ نشینی دولت مردان در اشعار وی موج می‌زند. پرداختن به واقعیات و به تصویر کشیدن انسان این موجود اجتماعی در شعرش باعث جلب مخاطب و برقراری ارتباط شدید و صمیمی با مخاطب گردیده است (مصدق، ۱۳۸۹، ص ۶۴۹).

آقاسی بین عاشورا و انتظار در تردد بود و برای دفاع از آرمان‌هایش سینه سپر می‌کرد و از مواهب مادی و دنیایی دست شسته بود. شعر آقاسی از صنایع لفظی و معنوی پر است. او هرگاه از این صنایع بهره می‌برد زیبایی شعرش را ضریب می‌دهد. در تاریخ ادبیات فارسی، شاعران ارجمند متعددی یافت می‌شوند که کتاب‌هایی از آنها به یادگار مانده ولی آقاسی این توفیق را داشت که مردم بدون کتاب شعر، خیلی از اشعارش را از بر و با آن زندگی کنند. او توانست فاصله مردم با شعر را کم کند. بعد حماسی در اشعار وی بسیار پررنگ بوده چرا که، او خود در جبهه‌های جنگ حضور داشت و در این حوزه اشعار ارزشمندی از وی بجای مانده است (داد، ۱۳۷۸، ص ۸۰)

از طرفی، رابطه میان موضوعات روز با شعر، از دیگر ویژگی‌های شعری آقاسی است. او ضمن مدح اهل بیت (ع)، از موضوعات روز و جاری جامعه غافل نبوده و نسبت به غفلت‌هایی که در زمانه‌اش آن هم پس از جنگ تاخته و برخی از مسئولان را که حالا در جرگه آرد و با استفاده از فرهنگ عاشورا و دفاع مقدس، بخشی از جریان شعر اعتراض را هدایت کرد. یکی از اشعار پرشور مرحوم آقاسی که درباره سرور و سالار شهیدان حسین بن علی a سروده شده سال‌هاست که زینت بخش محافل عزاداری است شعر «بی سر و سامان توام یا حسین a» اوست. متنوی ذیل در وصف واقعه عاشورا است:

به محملی که درونش تمامی دل توست
نگاه غم زده‌ی زینب پریشانست
.....
سلسله بر گردن سجاد بود
خیمه دل بوی محرم گرفت
کشته افتاده به صحرا حسین

سلام بر تو و نیزه‌ای که حامل توست
سلام بر تو بر زلف عنبر افشانست
.....
دشت پر از ناله و فریاد بود
فصل عزا آمد و دل غم گرفت
زهره منظومه زهرا حسین

جایگاه و نقش آقاسی در مرثی و شعر آئینی

تاثیر آقاسی در شعر آئینی شایان توجه و قابل ستایش می باشد و وی نقش بسزایی در این مورد داشته است. وی نمونه یک شاعر آئینی مردمی و فراگیر بود که توانست طبقات فرو دست جامعه را با شعر آئینی آشتی بدهد و آنها را وارد ساحت شعر آئینی کند.

شعری که تلاش نموده با زبانی ساده و با اتکا به دین و با بهره گیری از منابع اصیل و ریشه ای شیعه، با شنونده عامی ارتباط برقرار کند. در دهه های ۶۰ و ۷۰ شعر خوانی قابل توجه شنوندگان بسیاری بوده و مردم مخاطب مهم و اصلی اشعارش بشمار می آمدند. او سطح و میزان زبان اشعارش را با حفظ اصالت و یکپارچگی، تا میزان درک شنونده عمومی را پایین می آورد و هرگز از مضمون و مفاد آن چیزی کم نکرد. چراکه سعی اش بر این بود تا شنونده با شنیدن اشعارش احساس نزدیکی و ملموس تر داشته باشد. بخش هایی از مثنوی شیعه، که این شعر تاثیر گرفته از مذهب آقاسی که شیعه است می باشد.

باده از خم خانه مولابریز
زانکه دوشم داده ای افزون بده
می چکد نام تو از لبهای من
کربلایی کن سرانجام مرا
فاش می گویم که کوفی نیستم
شرحی از زلف پریشانان بگو
تا بجوید ذره ای خورشید را
مشتهای کوفیان را باز کن
از حجاز و کوفه تا شام و حلب
غربت صد ساله بی دلواپسی
شیعه یعنی هجرت از من تا به او
بارش ابر کرامت بر کویر

ساقی امشب باده از بالا بریز
باده ای بی رنگ و آتشگون بده
ای انیس خلوت شبهای من
محو کن در باده ات جام مرا
یا علی، درویش و صوفی نیستم
موجها را می شناسی موبه مو
باز کن دیباچه توحید را
یا علی بار دگر اعجاز کن
شیعه یعنی شرح منظوم طلب
شیعه یعنی يك بیابان بی کسی
شیعه یعنی صد بیابان جستوجو
شیعه یعنی دست بیعت با غدیر

شیعه یعنی عدل و احسان و وقار
از عدالت گر تو میخواهی دلیل
شیعه یعنی عشقبازی با خدا
شیعه یعنی هفت خطی در جنون
شیعه یعنی انحنای ذوالفقار
یاد کن از آتش و دست عقیل
یک نیستان تکنوازی با خدا
شیعه توفان می‌کند در کاف و نون
(آقاسی. ۱۳۹۲. ص ۲۵)

مشکلی که امروزه در بین اشعار آئینی به بهانه جذب بیشتر در دسته‌ها و هیئات‌های مذهبی کم و بیش به چشم می‌خورد (شمش، یادگاری. ۱۳۹۶. ص ۳۲) وی براین اعتقاد باور بود که: «وقتی نسبت شعر با شعور را بخواهی پیدا کنی، می‌بینی حلقه رابط در این نسبت درد است و دردمندی منتها هر دردی فی نفسه موجب شرافت صاحب آن نمی‌شود. خیلی شاعر نما داریم که دم به دقیقه از درد شکم و اسافل اعضا می‌نالند. اما آیا این دردها ارزشی دارند؟ درد اگر درد غربت از جوار قرب حضرت حق نباشد، اگر ایندرد، درد دین نباشد، درد بی‌دردی است که گفت: «نیست دردی ز بی دردی بتر!». وی معتقد بود که این تنهایی و درد باید از غربت و دوری انسان از عالم ملکوت نشات گرفته باشد و گرنه تنها در شعر بیان درد و اینجور مسایل ارزشی ندارد.

تاثیر آقاسی بر شعر آئینی به عقیده کاردانان این حوزه، موفقیت و کامیابی او در جذب حداکثری با استفاده و یاری سروده‌هایی است که از اصالت خود خارج نشده و به رسالت خود پایبند بودند. شعرهای آقاسی در عین سادگی، معانی ارزشمند دین و مذهب را به شنونده انتقال می‌دهد. سادگی و صمیمیت و در عین حال حفظ محتوا دو بال هم‌ردیف در شعرهای آقاسی است که با آن مخاطبانی از هر دسته و قشری جذب شعرهایش می‌شدند. کامران شرفشاهی، شاعر و از دوستان زنده‌یاد آقاسی، در رابطه با شعر و شخصیت آقاسی می‌گوید: آقاسی دلبستگی زیادی به مثنوی داشت و هر گاه او را می‌دیدم مشغول خوانش مثنوی مولوی و دیگر کتاب قدما مانند حکیم طوس، خاقانی و بزرگان ادبیات پارسی بود.

علاوه بر این، در کنار این مطالعات، اشعار شاعران معاصر را هم مطالعه می‌کرد و با آنها انس و الفت داشت. عقیده دوستان را مطلع و آگاه می‌شد. همین مسئله موجب شد که شعر ایشان در کنار عنایتی که از طرف اهل بیت d به ایشان شد، مقبولیت پیدا کند. شعر آیینی در تغییر ذوق و سلیقهٔ عموم بی‌اثر نبود و آن شعری بود در قالب کهن ولی با لحن و بیان نسبتاً تازه و در عین حال دارای آن مایهٔ صراحت و جذابیت صوری که بر مخاطبان عام تأثیر بگذارد. شاعر شاخص این‌گونه شعرها شادروان محمدرضا آقاسی بود. او را می‌توان سفیر شعر نوکلاسیک در مجامع و محافل سنتی مذهبی دانست، با شعرهایی معروف و تأثیرگذار همچون «شیعه‌نامه». دیگر بسیار کسان، با شعرهای معمول در آن محافل راضی نمی‌شدند و انتظار شعری از این دست داشتند. البته انکار نباید کرد که آقاسی در سال‌های آخر حیاتش تا حدود زیادی تسلیم مقتضیات این محافل شد و به موازات قبول عوام از پسند خواص برکنار ماند(شمش، یادگاری. ۱۳۹۶. ص ۲۰)

محمدرضا آقاسی از شاعران آیینی و انقلابی بود که توانست خلا موجود در میان شعر آیینی و رسمی را پر کند و فصل نوینی را در ادبیات ایران بویژه در شعر آیینی و مذهبی بنیان گذارد که پیوندی عمیق با مردم داشت و هیچگاه فاصله‌ای بین خود و آنها ایجاد نکرد. اشعار وی نشانگر اوج احساسات و علاقه‌ی وی به مذهب و اهل بیت d بود، او با سروده‌های خود جایگاه ویژه‌ای در ادبیات معاصر باز کرد. آقاسی را بیشتر به واسطهٔ مثنوی‌های پرشورش می‌شناسند. گونهٔ شعری که در بین سایر قالبهای شاعرانگی به دلیل قدرت و توانایی خاص و وقابل تامل بسیار مورد توجه می‌باشد. وی دربارهٔ اینکه چرا این قالب را برای سرودن انتخاب نموده می‌گوید: «انتخاب قالب شعری برای بیان ادراکات و احساسات شاعرانه ام، به این خاطر بود که در این قالب، برای فوران شور درونی شاعر، به نسبت دیگر قالب‌های شعری، میدان به مراتب وسیع‌تری وجود دارد.

مطالبه‌گری و اعتراض ویرگی شعر آقاسی

آقاسی یکی از رساناترین رسانه‌های شعر امروز می‌باشد. تعریفی که از برخی واژه‌ها

و لغات دارد تعریفی نشات گرفته از صداقت و تحقیق و پژوهش است. بعنوان مثال تربیت را بدین صورت معنا می‌کند:

تربیت یعنی که خود را ساختن بعد از آن به دیگران پرداختن

و یا تعریفی که از کلمه «شیعه» دارد:

شیعه یعنی تیغ، تیغ موشکاف شیعه یعنی ذوالفقار بی‌غلاف

و اتصال این تعریف به کربلا در کلام وی به چشم می‌خورد:

شیعه باید آب‌ها را گل کند خط سوم را به خون کامل کند

خط سوم، خط سرخ اولیاست کربلا بارزترین منظور ماست

مطالبه‌گری و دادخواهی و اعتراض یکی از خصایص شعر آقاسی می‌باشد:

جان مولا حرف حق را گوش کن شمع بیت المال را خاموش کنم
(آقاسی. ۱۳۹۹. ص ۲۰)

مثنوی «شیعه نامه» وی سرشار از مطالبه‌گری است، و این مطالعه‌گری شیعه‌وار از ضمیر کسی نشات گرفته که خودش اهل ریسک کردن و نترسدن وزلالی است. آقاسی و شعرش باید به دانشگاه‌ها راه پیدا کند، سبک شعر خوانی، چارچوب شعری او و میزان اثر بخشی اش باید موضوع دانشنامه‌های دانشگاهی گردد (میرشکاک. ۱۳۹۳. ۱۲).

شاید بهترین عنوانی که می‌توان به زنده‌یاد آقاسی داد، لقب «شاعر بسیجی» باشد، چون برای او مهم‌تر از این امر، چیزی نبود که حنجره آرمان‌های اهل بیت و آل‌الله و شنوندگان شعرش بسیجی‌ها باشد. چرا که در شعر آقاسی آرمان تشیع با جمهوری اسلامی گره خورده است و این جمهوری، جلوه‌ای از آن آرمان بلند است، اگرچه زبان اعتراض آقاسی به بسیاری از کارهایی که در این جمهوری و به نام آن انجام می‌شود، ربطی به آرمان‌های تشیع ندارد و حتی گاه در تضاد با آن است. آقاسی همچون سلمان هراتی و علیرضا قزوه سومین شاعر معترضی است که در عین دوستی با جمهوری اسلامی، منتقد

آن نیز هست. از ویژگی‌هایی که در شعر آقاسی قابل تامل است «اعتراض» است و «اعتراض» در چارچوبی عقلایی. اکثر اعتراض‌های این شاعر دردمند، با روحیه انقلابی‌اش گره می‌خورد. حاصل این گره خوردگی است که مثنوی تحسین‌آمیز «شیعه‌نامه» را رقم می‌زند (آقاسی، ۱۳۹۲. ص ۲۰)

جان مولا حرف حق را گوش کن شمع بیت‌المال را خاموش کن
شیعگی آیا شکم پروردن است؟ یا به روز جنگ عذر آوردن است؟
شیعگی آیا فقط خوابیدن است؟ روی مولا را به رویا دیدن است؟
(آقاسی. ۱۳۹۹. ص ۲۰)

شاید این‌گونه ابیات آقاسی کمتر از شاعرانگی مایه داشته باشد ولی خون اعتراض در رگ بیت‌های شعرش چشم‌نوازی می‌کند. معتقدم آقاسی در شعرهایی از این طیف و طایفه، جرأت سرودن و تازگی را توأمان در قالب شعار ریخته و خوب از عهده کار برآمده است. وی جماعت مشتاق شعر فارسی را به اشک و حماسه و مهربانی و لبخند و بیم و امید و عشق و اعتراض میهمان می‌کرد. همه این مفاهیم، او را به یک رسانه تبدیل کرده بود. رسانه‌ای که برخی اوقات برفکی هم می‌شد ولی حافظه عجیبش هنگام شعرخوانی این برفک را کنار می‌زد و یکی، دو ساعت جماعت را می‌خکوب خود می‌کرد (میرشکاک. ۱۳۹۳. ۳۱)

جریان شعر اعتراض که با افرادی مثل سلمان و آقاسی شروع شده بود، در آن به کسانی که به خون شهدا تجاوز می‌کردند و آن را زیر پا می‌گذاشتند، معارض بودند. آقاسی هم در شعرش به همین ابن‌الوقت‌ها اعتراض می‌کرد. وی شاعری صادق و با اخلاق بود. و اخلاص و وجدان از خصایص وی بود. آقاسی قبل از مرگ بخاطر سرودن اشعار اعتراضی که برای بسیاری مورد پسند نبود از حوزه هنری اخراج شد و همین امر وی را منزوی و گوشه‌گیر ساخت. این بیت معروف:

«از آن روزی که در خون پرگشودم به دارالکفر ممنوع‌الورودم
اشاره به همین امر داشت.

بین آقاسی و آقاسی‌نمایان تفاوت وجود دارد. آقاسی از روی اخلاص شعر می‌گفت، اما بعد از او نیز افرادی آمدند که با همان شیوه آقاسی در صدد سوء استفاده برآمدند؛ با همان شیوه شعرخوانی می‌کنند، اما مسائلی دارند که شایسته ساحت ادبیات و شعر اهل بیت(ع) نیست؛ این در حالی است که آقاسی شاعری بود که به دلیل بیان حقایق و اعتراض به کارهای برخی از همین فرصت‌طلب‌ها، حوزه هنری آن سال‌ها او را تاب نیاورد. شعر آقاسی نمونه‌ای از شعر اعتراض با بن‌مایه‌های عرفانی بود و دردهای جامعه را بیان می‌کرد. این مسائل باعث شد که آقاسی مورد توجه قرار گیرد. ما در «شیعه‌نامه» شاهد این واقعیت برزگ هستیم. او در این اثر با رجعت به تاریخ صدر اسلام مسائلی را که سبب شده بود تا تشیع از آن ضربه ببیند، بیان می‌کند. در آن روزگار کمتر شاعری بود که چنین آثاری داشته باشد. جریان شعر اعتراض با سلمان هراتی آغاز شد. بعد از او، شاعرانی در این قلمرو حضور پیدا کردند و وقتی تعدادشان زیاد شد، رفته‌رفته مطبوعات از انعکاس این شاعران خودداری کردند. جریان شعر اعتراض که با افرادی مثل سلمان و آقاسی شروع شده بود، رخدادهایی را بیان می‌کردند که در آن به کسانی که به خون شهدا تجاوز می‌کردند و آن را زیر پا می‌گذاشتند. آقاسی هم در شعرش به ابن‌الوقت‌ها اعتراض می‌کند.

انعکاس دفاع مقدس در منظومه‌های ادبی آقاسی

آقاسی شاعر انقلاب و جبهه و جنگ بود و در جنگ حق علیه باطل در مناطق شوش دانیال و جزیره مجنون و سه راه جفیر و شلمچه حضور داشته است. وی در بخشی از اشعار و سروده هایش به دفاع مقدس می‌پردازد، نگاهی اعتراضی به جامعه مصرفی پس از جنگ دارد، وی تلاش می‌کند تا تلنگری به شنونده بزند و آرمان‌ها و ارزشهای سال‌های حماسه را به خاطر آورد. ادبیات انقلاب اسلامی پر است از سروده‌هایی که شاعران از آغاز جنگ سال‌های دفاع مقدس به یاد جبهه‌های نبرد و شهدا سر داده و کوشیده‌اند تا از این طریق، روحیه مقاومت را میان رزمندگان و مردم زنده نگاه دارند؛ از

این حیث شعر یکی از اصلی‌ترین هنرهایی است که طی سال‌های دفاع مقدس و حتی پس از آن، همراه با مردم حرکت کرده است.

کمتر کسی از گروه شاعران مردمی است که در دفتر شعرش به موضوع دفاع مقدس پرداخته باشد؛ خواه به شکل مستقیم مانند سروده‌های زنده‌یاد حمید سبزواری و گاه به صورت غیر مستقیم مانند اشعار حسین منزوی و دیگران. زنده‌یاد محمدرضا آقاسی از جمله شاعران متعهد انقلاب اسلامی بود که بیشتر در دو حوزه آیینی و دفاع مقدس فعالیت کرده است. آقاسی در سروده‌هایش مانند شعری با عنوان «کوچه‌های بی‌شهید» نگاهی اعتراضی به جامعه ایران پس از جنگ دارد؛ به افرادی که پس از جنگ آرمان‌های شهدا را فراموش کرده و فاصله گرفته‌اند. شاعر قصد دارد در این بخش از سروده‌ها، تلنگری به مخاطب بزند و با یادآوری روزهای ایثار، جامعه آرمانی را به یاد او بیاورد.

در دهه آخر عمر زنده‌یاد آقاسی تحولاتی رخ داده بود که این تحولات سبب ارتقای شعری و اندیشگی وی شده بود؛ حتی در کنار این دو ویژگی بسیار مهم (شعریّت+ اندیشه‌ورزی)، در این زمان، شعر آقاسی به مضامین و مفاهیم دیگر و تازه‌تری دست پیدا کرده بود. علت و سبب این امر، بی‌شک مطالعه و نشست و برخاست با بزرگان اندیشه، نظیر دکتر شهریار زرشناس و بزرگان شعر، نظیر یوسفعلی میرشکاک است. مرحوم آقاسی زمینه رشد و بالندگی را آنقدر در خود ذخیره داشت که یک دم از جانب عزیز و بزرگی می‌توانست او را شعله‌ور کرده و شعر و زبانش را آتشین و والا و اندیشه‌مند کند.

اگرچه او از هر راه که می‌رفت، باز به نینوا برمی‌گشت؛ اگر گاهی هم در شعری این بازگشت صورت نمی‌گرفت، سیرت شعر خود را در متن یا در پایان، کربلایی و عاشورایی حفظ می‌کرد. مثل آنجا که آقاسی از درویشی و صوفی‌گری می‌گوید و در رد درویشان ظاهراندیش می‌کوشد.

نتیجه‌گیری:

شور و حرارت خاصی که او در سرودن اشعار از خود نشان می داد موجب تأثیر به سزایی بر شنونده می شد اشعار او که بیشتر در مدح اهل بیت d یا در رثای آنان چنان برجای و دل شنونده می نشست که گویی زخمی تازه بر پیکر شیعه رانمایان می ساخت. آقاسی در طول دوران کوتاه زندگی فرصت آن را نیافت که اشعارش را در یک مجموعه کامل به دست چاپ بسپارد و تنها آلبومی تحت عنوان (عشق ازلی) ارائه داد که عمدتاً دکلمه است و سه چهارم تکه آن تک خوانی و همخوانی است.

لذا با توجه به مطالب مطرح شده می توان گفت: از نظرگاه زیبایی شناسی و نقد فنی و ادبی آثار وی قابل بررسی است، البته دانشگاه هنوز آنچنان که باید و شاید با ادبیات معاصر آشتی نکرده است! در کتاب های درسی هم توجهی به او نمی شود. آقاسی شاعری ساده پیشه بود که به دلیل اینکه در خانواده های مذهبی بدنیا آمده بود به سرودن اشعار مذهبی روی آورده و به دلیل داشتن مذهب شیعه ارادت بسیاری به اهل بیت داشته است. در اشعار وی رئالیسم یا همان واقع گرایی به وضوح به چشم می آید. پرداختن به مشکلات و دغدغه های اقشار ضعیف جامعه در قالب شعر از اهمیت بسزایی برخوردار است. تجربه های سیاسی - اجتماعی نقش عمده ای در تحول شعر آقاسی دارد. اما بازتاب شرایط واقعی زندگی در آثارش چه از منظر محتوا و چه از منظر زبان، بسیار متفاوت است. اولین شعر اعتراضی از سروده های وی می باشد. آقاسی در شعرهایی از این طیف و طایفه، جرأت سرودن و تازگی را توأمان در قالب شعر ریخته و خوب از عهده کار برآمده است با توجه به اینکه عمده و ویژگی واقع گرایی، توصیف انسان به صورت موجود اجتماعی است و به عبارت دیگر جستجوی ریشه رفتار آدمی در شرایط اجتماعی می باشد و صفات نیک و بد را ذاتی انسان نمی داند، بلکه آن را محصول و نتیجه شرایط جامعه می شمارد.

آقاسی در شعرهایش جامعه را مسئول فقر و مسایل اجتماعی می داند کاخ نشینان را مورد انتقاد قرار میدهد و با زبان گفتار به بیان مسایل اجتماعی می پردازد. از این رو مورد بی مهری بسیار قرار گرفت، توصیف شرایط زندگی و پرداختن به جزئیات زندگی مردم عادی جامعه از نکات قابل تامل اشعار واقع گرایانه آقاسی می باشد. به همین خاطر در

بین عامه مردم جایگاه ویژه‌ای داشته و اشعارش مورد استقبال بیشماری قرار گرفته است. تاثیر مستقیم شرایط سیاسی و زندگی و مبارزات و انعکاس مستقیم این تجربیات در اشعار او می‌باشد. اما بازتاب شرایط و اوضاع واقعی و حقیقی زندگی در آثار وی از لحاظ محتوا و زبان متفاوت است. به طور کلی، انعکاس دقیق و واقعگرایی وضعیت اجتماع در آثار آقاسی، مهمترین ویژگی شعری ایشان است که به همین دلیل، گاهی شاعر اعتراضی نیز به وی لقب می‌دهند. زیرا شعر وی عاری از تملق و جانبداری است و تصویر زلالی از آنچه هست، می‌باشد.

منابع

۱. آبان افنتلی، علی (۱۳۹۰). تاریخ ادبیات و نقد ادبی در ایران و جهان، تهران: جمال هنر
۲. آقاسی، محمدرضا. (۱۳۹۲)، شعیه نامه. تجلی مهر. ۱۰۷
۳. آقاسی، محمدرضا. (۱۳۹۹)، شمع بیت المال را خاموش کن. شهیدکازمی. تهران: قومس.
۴. آقاسی، غلامرضا. (۱۳۹۰). محمدرضا آقاسی. چاپ اول. تهران: عقیق.
۵. باقی نژاد، عباس، شاملو، (۱۳۸۶). شاعر زندگی و مرگ، زبان و ادبیات فارسی (دانشگاه آزاد - واحد تهران جنوب)، زمستان، شماره ۹
۶. پرهام، سیروس (میترا) (۱۳۸۰). رئالیسم و ضد رئالیسم در ادبیات، چاپ هشتم، تهران: آگاه
۷. حسن لی، کاووس (۱۳۸۳). گونه‌های نو آوری در شعر معاصر ایران، تهران: ثالث
۸. داد، سیما (۱۳۷۸). فرهنگ اصطلاحات ادبی (واژه‌نامه‌ی مفاهیم و اصطلاحات ادبی فارسی و اروپایی به شیوه‌ی تطبیقی و توضیحی)، تهران: مروارید
۹. دلور، جعفر. (۱۳۸۵). شاعر: محمدرضا آقاسی. چاپ ۱. تهران: نشر طوبای محبت.
۱۰. رافائل، ماکس. (۱۳۶۵). نگاهی به تاریخ ادبیات جهان (تاریخ رئالیسم). مترجم محمد تقی فرامرزی. تهران: شباهنگ
۱۱. شریفی، محمد. (۱۳۸۷). فرهنگ و ادبیات فارسی. فرهنگ نشر نو. تهران: انتشارات معین.

انسان وواقع گرایی در اشعار محمدرضا آقاسی (۵۰۳)

۱۲. شمش، محمد. یادگاری، محدثه. (۱۳۹۶) جایگاه فرهنگ ادبی عاشورا در ادبیات آئینی. تهران: نگاه
بینه
۱۳. محدثی خراسانی، مصطفی. (۱۳۷۸). گزیده ادبیات معاصر. نیستان. شماره ۴۶
۱۴. محمودنیا، الهه. (۱۳۹۲). شاعران و ادبای آئینی بعد از جنگ. سمینار کارشناسی ارشد.
دانشکده ادبیات و علوم انسانی. کرمان: دانشگاه شهید باهنر.
۱۵. مصدق، حمید. (۱۳۸۹)، مجموعه اشعار حمید مصدق (کلیات). تهران: نگاه بینه
۱۶. میرشکاک، یوسفعلی. (۱۳۹۳) فرهنگ، کتاب و ادبیات. تهران: سیما
۱۷. میرشکاک، یوسفعلی. (۱۳۹۷). یادداشتی بر (شیعه نامه) مرحوم آقاسی. تهران: فرهنگ و
هنر شرق.

